

# طرح فریب!

## فیاض زاهد

در حالی که همه انتظار داشتیم در روزهای پایانی اسفندماه خبر توافق نهایی ایران با قدرتهای خارجی اعلام شود و کام مردم ایران در آستانه نوروز شاد گردد، طرح ابهاماتی از روسیه که هیچ معنایی جز گروگرفتن منافع ایران و برجام ندارد، نگرانیها درباره سرنوشت مذاکرات را افزایش داده است. فارغ از علت و چرایی طرح این ادعا درباره تضمینها که بسیاری بدان پرداخته‌اند، باید به تحلیل دقیق و جامعی برای فائق آمدن بر این بحران دست زنیم. درخواست روسیه اگر به درستی مدیریت نشود، ایران را درگیر دور جدیدی از تنشهای بی‌پایان خواهد کرد. موضوعی که میتواند نقطه فشار از روسیه در داستان اوکراین را به خاورمیانه بازگرداند. برای پرهیز از این خطای راهبردی، تاکید بر برخی الزامات و بایسته‌های سیاسی اهمیت ویژه‌ای دارد. به برخی از آنها اشاره میشود.

1- تحریم‌های بین‌المللی علیه روسیه فراتر از انتظار کرملین بود. پوتین و مشاورانش، بایدن را ضعیف‌تر از آن ارزیابی میکردند که بتوانند چنین اجماعی علیه روسیه را شکل دهند.

اما گویا ساختار سیاسی و اداری ایالات متحده، فراتر از قدرت شخصی رییس‌جمهور امریکا عمل کرده است. وضعیتی که سبب نزدیکی بیش از گذشته امریکا با اروپا در قالب ناتو گردید. شاید به نظر رسد که ناتو در نتیجه این حمله گسترده تضعیف شده است، در حالی که همه دلایل انحلال ناتو که قبل‌ترها به وسیله فرانسه و شوروی مطرح و در سالهای گذشته ترامپ و هم‌پالکی‌هایش مطرح میکردند، قابل توجیه به نظر میرسید، حمله روسیه به اوکراین، همچون راه نجاتی برای ناتو عمل میکند. اینک تا پنجاه سال آینده، هیچ تحلیلی در اروپا از تضعیف ناتو سخن نخواهد گفت. طرفه آنکه روسیه به اوکراین حمله کرد تا ناتو را تضعیف کند، نتیجه حاصله افزایش بودجه نظامی در آلمان تا 100 میلیارد یورو و تصمیم آتی پیوستن فنلاند و سوئد به ناتو خواهد بود.

2- روسیه نیاز دارد تا فشار را از خود بردارد. برای این کار باید نقطه بحران جابه‌جا شود. موضوعاتی مانند حمله چین به تایوان یا درگیری‌های جدید در خاورمیانه یا بن بست در مذاکرات برجام و حالت

تهاجمي گرفتن سياست در ايران مي‌تواند بهترين حالت براي روسيه باشد. اينکه چگونه نواصولگرايانی که زماني اسلافشان به جاي حمله به سفارت امريکا طرفدار اشغال سفارت شوروي بودند به مداحان و مدافعان کرمين تبديل شده‌اند، نیازمند واکاوي همه‌جانبه‌اي است، اما در شرايط فعلي همان تحليلگران و بازيگران در صحنه سياسي ايران- که متاسفانه دست بالا در سياست ايران را دارند- مي‌توانند صحنه را به سود روسيه طراحي کنند. همه متوليان موثر در حکمراني ايران بايد مراقب اين موقعيت باشند. اينکه روسيه در راستاي تامين منافع خود، پيوندي راهبردي با اسراييل دارد. الان هردوکشور مي‌توانند درباره ايران متحد شوند. اسراييل به دشمن خود ضربه ميزند، روسيه حواسها را از اوکراين به پرونده هسته‌اي باز مي‌گرداند.

3- طرح فريب مي‌تواند اينگونه رقم بخورد که روسيه تا تامين منافع خود پاي سند برجام را امضا نخواهد کرد. تداوم بحران در اوکراين و افزايش تحريم‌ها موجب افزايش قيمت نفت و گاز و تشديد بحران ميشود. از سويي تندروهاي ايراني و امريکايي، هرکدام با نياتي به ظاهر متفاوت از نتيجه مذاکرات راضي نيستند. داخليها با اين بهانه که تيم ظريف در حال انجام مذاکرات است و علي باقري تنها لايه بيروني اين امر است. - اين خود توهين به شخصيت علي باقري به عنوان نماينده ايران در اين مذاکرات است- و ديگر آنکه تندروهاي امريکايي برجام را فرصت بازسازي توان روجي و اقتصادي ايران و در نتيجه حضور موثرتر در مناسبات منطقه‌اي بدانند.

هرکدام مي‌توانند دلايل خود را ارايه کنند. ايران بايد مراقب باشد با دلايل و تحليلهاي خيال‌پردازانه نخواهد کاري کند که در انتظار بماند تا بتواند امتيازات بيشتري از امريکا بگيرد. آن دسته تحليلها که مدعي شوند چون امريکا درگير بحران اوکراين است و قصدش جمع کردن پرونده هسته‌اي و تمرکز بر روسيه است، پس بهتر است صبر کنيم تا از آنها امتيازات بيشتري طلب کنيم! اين در حالي است که عدم قطعيت در پرونده برجام، مي‌تواند به معنای خروج ديگر کشورها از آن و فروريختن ساختار بنايي باشد که دولت رييسي هم عليرغم لفاظيهاي تندروهاي ايران، به ساختار آن وفادار ماند. آنها نيز مي‌دانستند که برجام با تايد عالي‌ترين مقامات کشور به نتيجه رسیده و دولت‌ها تنها در شکل و فرم تحقق آن نقش بازي کرده‌اند. اگر برجام فروبريزد و موضوع به شوراي امنيت بازگردد، اين بزرگ‌تري هديه به کرمين خواهد بود.

4- منابع نزديک به تيم مذاکره‌کننده امريکا مدعي هستند که ايران در اعلام علل نهايي شدن توافق برجام و بازگشت امريکا به اين

معاهده راست نمی‌گویند و افکار عمومی را فریب می‌دهند. آنها مدعی هستند که مقامات وزارت امور خارجه و شوراي عالی امنیت ملي ايران مي‌دانند که این روسیه است که از پشت به مذاکرات خنجر زده‌اند. برخی شواهد حاکی از تغییر رفتار و رویکرد اولیانوف در وین شده است. او که قبلاً در نقش فرشته نجات و پلیس خوب فرورفته بود، چند روزی است که دیگر از روی نوشته می‌خواند. محتملاً همان دستورالعمل‌هایی که از کرملین می‌رسد. ایران باید در این زمینه فضای رسانه و افکار عمومی را تلطیف و مدیریت کند. ضمن اینکه معلوم نیست، چرا علیرغم مجوز رهبری در این نقطه حساس، مستقیماً با آمریکا برای ترمه مذاکرات گفت‌وگو نمی‌شود. ایران با پرهیز از این اقدام نقش و تاثیر کشورهای حاشیه‌ای و با مقاصد و اهداف گوناگون را موثر در این فرآیند می‌سازد. این درحالی است که در روزهای پایانی منطقی بود از تاثیر کشورهای دیگر جلوگیری کند. ما از ابتدا هم نباید اجازه می‌دادیم سرنوشت منافع ملی‌مان مطمع نظر کشورهای اروپایی، چین و روسیه می‌گردید. کشورهای با منافع متفاوت و انتظارات متغیر که تنها از کیک سهم قدرت و منافع ایران در مذاکرات و نتایج آن برمی‌دارند.

5- یکی از خطرناک‌ترین تحلیل‌ها در این روزها می‌تواند این باشد که قیمت نفت بالا رفته و اگر ایران به برجام بازنگردد بالاتر هم خواهد رفت. ساختار اقتصاد ایران با تحریم‌ها آشناست و ما بیش از هر کشور دیگری راه‌های دور زدن آن را بلدیم. از سویی امریکایی‌ها به ما تضمینی مبنی بر عدم خروج از برجام توسط دولت بعدی را نداده‌اند، و این سبب می‌شود که هیچ سرمایه‌گذاری مهم و ساختاری در کشور صورت نگیرد، افزایش قیمت نفت باعث می‌شود که حتی با تخفیف‌های 30 درصدی در فروش، سهم آورده قاچاق نفت، ما را قادر به اداره کشور نماید. با فقدان برجام نیازی هم به FATF نداریم. لذا بهترین فرصت را در انجام مقاصد خود در جبهه مقاومت خواهیم داشت. پس از این موهبت استفاده کنیم و از برجام خارج شویم. از سویی با این اقدام دوستی و ثبات قدم و عشق خود به روسیه! را هم نشان خواهیم داد. این همان جبهه شرقی است که وعده‌اش داده شده و پوتین پرچمدار وعده الهی خواهد بود!

(شاید به این نوشته بخندید. اگر چنین کردید، معلوم است که خوب عمق فاجعه در جریان تندروی انقلابی را درک نکرده‌اید.)  
این همان طرح فریب است. با این اقدام پرونده ایران به شوراي امنیت می‌رود. اسراییل به خود اجازه تحرك و خرابکاری بیشتر می‌دهد. شرکت‌های غربی تسلیحات بیشتری می‌فروشند. روسیه از فشار خارج می‌شود. بحران از اوکراین به خاورمیانه منتقل می‌شود. کشورهای غربی

مجبور به هزینه‌های افزون‌تر نظامی شده. چین بهره‌مندی بهتری از بازار انرژی می‌کند و البته کلاه ایران هم در بازار قاچاق نفت برداشته می‌شود. چرا؟

اگر ما شاگردهای خوب در فروش محصولات نفتی در عصر تحریمیم، روسها پایه‌گذار مافیای نفتی هستند. آنها در صورت تداوم تحریم‌هایشان، سهم نفت ایران در بازار چین و شرق دور و هند را از ما خواهند ربود. چین میان انتخاب ایران و روسیه معلوم است چه خواهد کرد. با این کار روسیه امکان سرمایه‌گذاری و ورود بالقوه ایران به بازار گاز اروپا را نیز خواهد گرفت. با ایجاد جنگ در خاورمیانه، قطر هم از بازی خارج خواهد شد. این به معنای تداوم نیاز اروپا به انرژی روسیه خواهد بود. انجام چنین سناریویی منافع امریکا را هم به خطر خواهد انداخت.

6- رهبری ایران نشان داده در بازی شطرنج ید طولایی دارد. علی‌رغم برخی تلاشها و لابی‌رنت‌های مسموم و متاسفانه نفوذ امنیتی کشورهای دوست و دشمن به ساختارهای تصمیم‌ساز در کشور، حاکمیت جمهوری اسلامی و اراده رهبری عالی نظام، بیشتر بهره‌وری از تعارضات بوده است. ایران به این دلیل به روسیه نزدیک نشده که به حلقه کشورهای مستعمره آن بدل شود. دشمنی و تعارض منافع با غرب عامل این رخداد بوده است. این که آیا اساساً نیازی به این همه دشمنی و هزینه-فایده بوده، جای بحث دارد. منظور آن است که سیاست اعلامی و اعمالی ایران در راستای مناسباتش با روسیه متفاوت است. ایران نه مانند صدام و نه جمال عبدالناصر و نه خاندان حافظ، در حلقه مریدان و هواداران روسیه نمی‌گنجد. هرچند تردیدی ندارم چنانچه رویه‌های جاری اصلاح نشود، چنین خواهد شد. همه امید به هوشمندی رهبری در ماجرای راهبردی تداوم حضور ایران در برجام و ضرورت موفقیت این مذاکرات خواهد بود. اگر ایران اجازه خرابکاری در برجام را بدهد، هزینه‌هایی به مراتب بیشتر و خطرناک‌تر از جنگ تحمیلی عراق را پرداخت خواهد کرد. ایران را از مسیر پیشرفت به‌طور کامل کنار خواهد زد و کشور را به فقر مطلق و تباهی نزدیک خواهد نمود. فرصت دست‌اندازی به دشمنانش را خواهد داد. روان تاریخی، تجربه نسلی، هوشمندی مقامات عالیرتبه مرا برآن می‌دارد که همچنان خوشبین باشم. به اینکه ایران دست دشمنان به ظاهر دوست خود را خوانده است

منبع: روزنامه اعتماد 21 اسفند 1400 خورشیدی